

اول اردیبهشت

روزی که دانشگاه در خون نشست...!

سال گذشته در چنین روزهایی لشکر اوپاش و قداره بندان رژیم جمهوری اسلامی تحت لوای نوم " انقلاب فرهنگی " دانشگاه ها و مراکز علمی سراسر کشور را بخون کشیدند . سنگرهای آزادی یک سال پیش در جنبر روزهایی عرصه مبارزه قهرمانانه دانشجویانی بود که با تمام قوا در مقابل لشکر چهل و پنج مائوئی مقاومت کردند تا بدانجا که " رئیس جمهور منتخب " در پیشاپیش اوپاش مرتجع گام آخر را برای فتح نهائی دانشگاه ها برداشت و این " افتخار تاریخی " را نصیب خود ساخت و نیز ننگ ابدی را !

اول اردیبهشت ۵۹ ، " تیرهای هوایی " پاسداران سزما به همگی کمانه کردند !! و ده ها دانشجوی قهرمان را در تهران ، اهواز ، رشت ، تبریز ، شیراز و ... در خاک و خونی غلطانند . هیئت حاکمه در این خیال بود که با کشتار دانشجویان و تخته کردن دره های دانشگاه ها ، آگاهی را به بند کشد تا بدینوسله بر عمر حکومت سنگین خود بیافزاید . اما به شهادت تاریخ ، مبارزات دانشجویان در هیچ زمان تنها محدود به پشت میله های دانشگاه نبوده و نخواهد بود و به همانگونه که رژیم جنایتکار پهلوی علیرغم جوخه های تیر باران و کارد دانشگاه و ساواک هیچگاه نتوانست از " سر " دانشجویان آگاه و مبارز خلاصی یابد ، رژیم جمهوری اسلامی نیز همواره با وحشت از آگاهی توده ها صحبت از نفوذ دانشجویان کمونیست و انقلابی در کارخانه ها ، محله های فقیر نشین ، اعتصابات کارگران و ... میکند و همواره بیکفایتی ها و ندانم کاریهای ماهوی اش را بگردن آن ها می اندازد . آری دانشجویانی که در زمان اخناق و سرکوب شاه ، ۱۶ آذرها را آفریدند ، دانشجویانی که از زندان و شکنجه های قرون وسطایی ساواک نهراسیدند و فریاد اعتراضان را بگوش جهانیان رساندند ، دانشجویانی که زندگی اشان را چون ، احمدزاده ها ، مصاحی ها ، رضائی ها و ... در راه رهائی زحمت کسان نهادند و بالاخره دانشجویانی که در ماه های قیام (هنگامیکه بسیاری از سران فعلی حکومت با در فرنگ بودید و یا در کج حاشه اسان مردم را به سکوت دعوت می کردند) یکی از عوامل مهم سقوط رژیم شاه کشیدند ، آری چنین دانشجویانی هیچگاه و در هیچ زمان نیز تسلیم شیوه های سرکوب و اخناق رژیم جمهوری اسلامی نخواهند شد و همچنان به مبارزه ی خویش ، بهر طریق که بتوانند ، ادامه خواهد داد .

بسی صد که سال پیش سبکفرد در پیشاپیش بوده ها برای انقلاب فرهنگی به سمت دانشگاهها می آید ، امسال مرورانه منکوبد که من غلط کردم دستور بستن دانشگاهها را دادم . ولی مردمی که سال پیش سبکفروش خویش سما می دانشگاهها را بساد داسه باشند هرگز توطئه های کشیدند بی صد و سایر سردمداران " انقلاب فرهنگی " را از یاد نخواهند برد .

بورش و حشانه اول اردیبهشت به دانشگاه ها تنها کوششی برای سرکوب مبارزات دانشجویی نبوده ، بلکه تکرار این کامی برای نفی آرادهای دموکراسیک و آگاهی برای کسرتن

دامنه‌ی سرکوب اعتراضات زحمتکشان و کارگران را در نظر داشت.

با این همه، گویا سرکوب نظامی دانشگاه‌ها و کشتن و زخمی کردن صدها دانشجوی مبارز کافی نبود که حمله‌ی تبلیغاتی و موج عوام‌فریبی برای توجیه اشغال دانشگاه‌ها و به تعطیل کشاندن دائمی آن در اسعادی و سبب آغاز شد. «بیت‌الله حمیدی افاضات معروف خود "تمام گرفتاریها از دانشگاه است" "خطر دانشگاه از سبب خوشه‌ای هم بیشتر است" را تاکنون بارها تکرار کرده است. او و مقلدینش بدترستی از "گرفتاریهای" که دانشگاه بوجود می‌آورد نگران هستند، چرا که:

★ دانشگاه برای حفظ نظام سرکوب و استثمار گرفتاری‌های بی‌ار می‌آورد،

★ دانشگاه بر علیه خفقان و دیکتاتوری به پا می‌خیزد.

★ دانشگاه سرکوب خلقهای تحت ستم و مبارزات بحق کارگران و زحمتکشان را محکوم و افشاء میکند،

و اینها البته گرفتاریهای بسیار بزرگی برای سرکوبگران بوجود می‌آورد. از همین رو، هیئت حاکمه مصمم است که علی‌رغم تمام اعتراضات دانشگاهها را تا آن زمان که قادر باشد در تعطیل نگهدارد. در ابتدا برای واقعی نشان دادن "انقلاب فرهنگی" شورایی بنام "شورای انقلاب فرهنگی" تشکیل گردید ولی بعد از چند فاهی اکثریت این شورا (۴ نفر از ۷ نفر) از کار کناره گیری کردند، ولی با این وجود این شورا با اقلیت اعضای شورا "بکار" خود ادامه داد. زیرا آنچه هیئت حاکمه می‌خواست به آن دست یابد، انجام گرفته بود و اقدامات بعدی یعنی تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی و ... نیز در حقیقت شگردهایی برای پوشیده نگهداشتن نیت واقعی رژیم از "انقلاب" کذایی بود آنچه ارگانهای فوق تاکنون انجام داده اند، چیزی جز تسریع در تخریب و نابودی همان موسسات "فرهنگی و آموزشی" و از بین بردن صدها میلیون تومان تاسیسات این مراکز نبوده است.

کارگران و زحمتکشان!

هدف از به تعطیل کشاندن دانشگاه‌ها و سرکوب مبارزات مترقی دانشگاهیان، در حقیقت کوشش برای خفه کردن فریادهای حق طلبی این بخش از جامعه در حمایت از مبارزات برحق کارگران مبارز و زحمتکشان محروم جامعه است. مبارزه برای بازگشایی دانشگاهها نیز بدون حمایت بیدریغ و گسترده‌ی توده‌های مردم امکان پذیر نیست. به صفوف دانشجویان بپیوندید و در مبارزات آنان فعالانه شرکت جوید.

دانشجویان و دانشگاهیان مبارز!

امروز مسئله‌ی دانشگاهها به گرهی ناگشودنی برای ارتجاع تبدیل شده و از حل این مشکل عاجز مانده است. تعداد بیکاران هرروز روزه افزایش است و تعطیلی دانشگاهها نیز این مشکل را چند برابر کرده است. باید در برابر صف متحد ارتجاع، با حفظ و گسترش تشکلهای مترقی دانشجویی و استادان، با اتحاد عمل و همکاری نزدیک تمام آنان و پشتیبانی نیروهای انقلابی متحد و یکپارچه مبارزه در جهت افشاء رژیم جمهوری اسلامی و انقلاب قلابی فرهنگیش، افتاء هر دو جناح هیئت حاکمه و سرخوردن آنان به مسئله دانشگاهها را سازمان داد باید مبارزه برای بازگشایی فوری:

★ دانشگاهی که مستقل بوده و در خدمت زحمتکشان باشد،

★ دانشگاهی که توسط شوراهای انتخابی اداره شود،

★ دانشگاهی که در آن نصفه عقیدتی انجام نگردد،

★ دانشگاهی که در آن عناصر واسنه به ارتجاع و امبرالسم حق فعالیت نداشته باشد.

اول اردیبهشت...

★ دانشگاهی که مدرسه‌ی انقلاب باشد .

★ دانشگاهی که وطن‌های هر رژیم سرکوبگری را افسان کرده و از صانع مردم ستمدیده دفاع میکند.
به برنامه‌ی فوری همه تشکل‌های مترقی دانشجویی و استادان تبدیل شود .
یاردیگر در سالروز اول اردیبهشت یاد دانشجویان شهید را گرامی داشته و تمامی سروهای
انقلابی و مترقی را به مبارزه‌ای یکپارچه و متحد، برای سارکشان محو دانشگاه‌ها فرا میخوانیم .

گسرامی بیاد یاد دانشجویان شهید
هر دو جناح حاکم دشمن زخمیکسان حامی سرمایه‌دار
دانشگاه سگس زخمیکشان آزاد باشد کردد

۶۰/۱/۲۸

سازمان وحدت کمونیستی

